



داکتر برآیند

پیام اوران خدای پنتاگون

نیست یک گل در بساط کهساران اجنبی
نیست یک شاخ در قطار شاخسارن اجنبی

نیست یک موج و حباب در آب دریاها مست
نیست یک قطره در آب آ بشاران اجنبی

نیست یک سنگچل و سنگ در قله کوه بلند
نیست یک دانه ریگ در ریگزاران اجنبی

لیک در نظام ملک ماست از عهد عتیق
شاه و شاه آغاسی و **سلطان** نوکران اجنبی

کیست آن بنده الله بوالفضول و کج منش
نوکر پست فطرت و از چاکران اجنبی

کیست آن **ملا و پیر** آیت الله و امام
جز اجیر و آلت دست عیان اجنبی

این همه دستگاه رنگارنگ پر نام و نشان
آیت سرکوب خلق است سازمان اجنبی

می گرفت هجده لک آن نا جوان مرد خبیث
کار ملیون است معاش **مهتران** اجنبی

باکلاه و چین و پتکی، سبیل و سبچه ها
امتزاج حاصل نمود روح و روان اجنبی

سالهاست کوبیده اند بر فرق مظلوم وطن
داس و چکش های غیروود **ان** اجنبی

اشتهار تفرقه، تبعیض و بیداد و ستم
هست سلاح کشت و کشتار و بران اجنبی

می زنند **چو** می کنند فریاد های ساختگی
آب خست آلود سا زند **کهران** اجنبی

چنگ زرگری نمایند تا فریبند خلق را
اختیار خود ندارند نا کسان اجنبی

آتش موهوم ا فروزند، تنور سازند گرم
این همه شور و فغان است در گران اجنبی

رستم دستان سازند از مخنث های حیز
بچه بی ریشان غیرو شاهدان اجنبی

چنگ و دندان می نمایند، رگ گردنها بلند
صحنه سازان اجیر و **اکتران** اجنبی

نیستیم آزاد مادر د ا م استعمار اسیر
لاف آزادی زنند این نوکران اجنبی

از **الف تا پای این سامانه استعماری** است
ضد خلق و بر مفاد دشمنان اجنبی

نیستیم آزاد اسیر **ظلم استعماری** ایم
کوس آزادی نوازند در وستان اجنبی

ما اسیر چنگل بیداد استعمارینم
زخمی صد تیروخنجر خونفشان اجنبی

ع و غ و کرزی و افکار دلالی شان

با **جهادی کوچکانند** هم زبان اجنبی

کرزی و رسول و اسپنتا پیام آور بوند

از **خدای پنتاگون ووز قران** اجنبی

کج پرستان را کشاکش بهرامکان مزید

خود بخود تحریک دارد برمکان اجنبی

هرزه پویان را گزیری نیست جز تسلیم محض

این جبین داغ ننگ و آستان اجنبی

ع و غ بعد از تعهد ها مقرر گشته اند

تا برند پیش هو بهو ماستر پلان اجنبی

ع غرق عیش و عشرت **غ** کوه شرم به سیر

آمدند با سند و مهر و نشان اجنبی

راست هرگز می نیاید از فریب اندیشه ها

راستی هرگز میندازد از کمان اجنبی

ای جگر د اغد ار بیداد ، بی نبرد زندگی

نیست امکان گریز از نا کسان اجنبی

لطف و امداد و مدد رانی ندارند ظالمان

ای ستمکش دل بکن از ریزه خوان اجنبی

سرنگون سازند آخر سربداران دشمنان

چون **"برایدن"** باز ماند از کسان اجنبی

چون بیا خیزند مردم پر غریو همدلی

می شوند از گه خوردن توبه گاران اجنبی